اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله

و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

**بحث عرض کردم این بود که مرحوم نائینی قدس الله نفسه سعی کردند یک مطالبی را بفرمایند بالنسبه‌ی به اینکه چرا در جمله‌ای از واجبات مقدماتش قبل از وقت هم باشد واجب است ولکن در بعضی‌ها نیست. سعی کردند این بحث را اصولی مطرح کنند ما هم عرض کردیم بحث را اگر فقهی مطرح می‌کردند بهتر بود این مباحث اصولی‌اش معلوم نیست به یک نتیجه‌ی درستی متاسفانه برساند. حالا به هر حال چون بحث فرمودند و سعی کردند ضابطه مندش بکنند بحث اصولی یعنی ضابطه مندش بکنند ضوابطی برایش بیان بکنند . بد نیست بحثش خوب است اما خوب حالا واقعا خاضع بشود به این ضوابطی که ایشان فرمودند بعضی جاها هم خود محشی کتاب ، محشی که نه مقرر مرحوم آقای کاظمی هم اشکال می‌کند به ایشان که این بیان مثلا در فلان مورد تام نیست مثلا ، می‌کند به عبارت ایشان .**

**به هر حال بحث سر این بود که به مناسبت واجب مطلق و مشروط وارد کلام صاحب فصول شدند که واجب معلق و اینها را تصویر کردند تصویر ایشان خورد به واجب معلق مرحوم نائینی چون واجب معلق را محال می‌دانند عرض کردم در اعتباریات محال لفظ درستی نیست حالا به هر حال ایشان چون واجب معلق را محال می‌دانند سعی کردند از راه دیگری وارد بشوند که اسمش را مقدمات مرتبطه گذاشتند .**

**آن وقت مقدمات مرتبطه در اصطلاح ایشان اموری هستند که اگر انجام ندهیم واجب در وقت خودش از بین می‌رود ولو این مقدمات قبل از وقت وجوب باشد و لو این مقدمات قبل از وقت واجب باشد ایشان اصطلاحا ایشان مقدمات مفوته اسمش را گذاشتند و سعی کردند از راه مقدمات مفوته مشکل را حل بکنند و توضیحاتی راجع به این مشکل دادند در ضمنها و حالا ما هم گفتیم یک مقداری مطالبی ایشان را بخوانیم .**

**ایشان در این صفحه‌ی 197 فرمودند قدرت یا شرعی است یا عقلی ، مقدمه‌ی ایشان و قدرت عقلی دخیل در ملاک نیست اما قدرت شرعی دخیل در ملاک است ، بله این را ایشان یعنی قدرت عقلی فقط دخیل در خطاب است در ملاک دخیل نیست ، ملاک موجود است ملاک قبل از وقت هم موجود است ، بعد ایشان من برای نکته‌ای که عرض کردم عبارت ایشان :**

**ان كل واجب لم يعتبر فيه القدرة شرعا ،**

**عرض کردیم مراد از قدرت عقلی آن شرط عامی است که بین علمای أصول بالفریقین اسمش را می‌گذارند شرایط عامه‌ی تکلیف که یکی‌اش بلوغ است و عقل اینها مسلم است این دو تا ولو در بلوغش در بعضی از جاها اشکال کردند گفتند در بلوغش مثلا حتی در تمییزش عقلش و اینها مثلا حج مستحب در حق آنها مستحب است ولو بچه‌ی یک ماهه باشد آن بحث دیگری است استثناء است دلیل شرعی برایش وارد شده است .**

**علی ای حال یکی هم قدرت است یکی هم علم است این که شرایط عامه بین شیعه آن سه تاست علم را خارج کردند ، آن وقت قدرت شرعی عقلی عبارت از این است که هر تکلیفی که انسان پیدا می‌کند خواهی نخواهی عقلا محدود به قدرت است مثلا اذا اقیموا الصلاة یعنی انسان اگر قدرت داشته باشد مثلا آتوا الزکاة اگر قدرت داشته باشد ، یعنی باید یک قدرتی باشد تا خطاب به حساب به او موجه بشود آن وقت این قدرت عقلی در ملاک به قول ایشان دخیل نیست یک توضیحی دادم که روشن نیست مطلب ایشان .**

**ما الان اصطلاح ایشان که قدرت عقلی باشد بیشتر روی عنوان برنامه ریزی از آن تعبیر می‌کنیم یعنی ما یک برنامه ریزی می‌کنیم برای برنامه‌ی کار خودمان آن وقت ایشان می‌گوید در برنامه‌ ریزی که ما انجام می‌دهیم ولو وقت یک واجب نرسیده وقت وجوبش هم نرسیده است اگر می‌دانیم که این کار را الان انجام ندهیم آن وقت در وقت خودش از بین می‌رود فوت می‌کند به حکم عقل باید انجام بدهیم این قدرت عقلی به اصطلاح ایشان که**

**آن وقت قدرت شرعی هم آن است که در لسان دلیل کلمه‌ای که قدرت باشد ، عرض کردیم یقدر ، لا یقدر ، قدر این در روایات معدودی آمده نه اینکه نیامده است لکن اینها در روایاتی مثل ، در آیات مبارکه مثل فلم تجدوا ماءا به معنای لم تقدروا گرفته است من استطاع الیه سبیلا یعنی من قدر علی ذلک من قدر علی الحج به معنای قدرت گرفتند استطاعت سبیل را توضیحاتش گذشت دیگر تکرار نمی‌خواهد بکنیم .**

**عرض کنم خدمت با سعادتتان که این جایی که در لسان دلیل اخذ شده قدرت شرعی است آن جایی که در لسان دلیل اخذ نشده به معنای اینکه تکلیف به خود عمل خورده ، مثلا تقول فی التشهد اشهد ، این تقول یعنی قدرت داشته باشد حالا بحث‌های فرعی و جانبی هم هست که در بخش دوم کلام ایشان متعرض می‌شویم که مهم ترین نکته‌اش همان بحث تعلم احکام است چون بعضی‌ها آمدند گفتند اگر انسان علم به احکام هم پیدا نکند این هم یک نوع عجز است ، آن وقت نسبت بین قدرت و بین علم بین جهل و بین عجز ، این یک مطلب مهمی است خودش نسبت به این دو تا .**

**چون یک دفعه چیزی جهلا واقع می‌شود یک دفعه یک چیزی عجزا واقع می‌شود روی عجز است آیا عجز و جهل مثل هم هستند یا مثل هم نیستند مثلا لا یکلف الله نفسا الا ما آتاها ، ما آتاها ظاهرش در قدرت است به آن مقداری که مقدورش باشد ، لکن بعضی‌ها به همین آیه هم در باب برائت تمسک کردند سابقا ذکر کردیم چون آتاها را اعم گرفتند از قدرت و علم و اینکه با هم دیگر اینها تناسب دارند اینکه تناسبی بینشان هست هست اما اینکه واقعا هر جا قدرت است مرادف با علم است یا با جهل مرادف با ، این روشن نیست ، چون بعد خود ایشان این بحث را دارند من ان شاء الله بعد عرض می‌کنم .**

**علی ای حال ایشان**

**یکی از حضار : ... آن مقدمه چه شد ؟ مقدمات بعضی‌هایشان مقدورند بعضی‌هایشان غیر مقدور است اما اینکه قدرت با مقدمه چه منظور است ؟**

**آیت الله مددی : قدرت در سر چیز است در سر تکلیف است نه ذی المقدمة مثلا شما الان به حساب هنوز وجوب چیز نشده است فرض کنید گفت روز جمعه مهمان که ، مهمان‌های روز جمعه را اکرام بکن به ناهار دادن ایشان الان از روز پنجشنبه می‌داند که دیگر روز جمعه فردا و امروز فقط غذا تهیه‌اش آسان است بعد دیگر نمی‌شود تهیه کرد خوب تکلیف که الان نیامده است به تعبیر ایشان اینجا قبل از وجوب است ، یعنی ایشان می‌گوید به حکم عقل باید آن غذا را آماده بکند ولو حتی وجوب هم نیامده نه اینکه قبل از وقت واجب است، قبل از وقت وجوب است اینجا که وجوب هم نیامده باید غذا را تهیه بکند روز پنجشنبه این غذا را تهیه بکند چون می‌داند روز جمعه غذا پیدا نمی‌شود از آن طرف هم می‌داند تکلیف به ناهار دادن دارد پس باید غذا را روز پنجشنبه**

**ایشان اسمش را گذاشته مقدمات مفوته اسمش ، سرش در مقدمات موفته این است که اینها مقدماتی هستند که هنوز وجوب نیامده است چون وجوب نیامده خوب جایی برای مقدمه بحث مقدمه نیست توضیحش را عرض می‌کنم وجوب نیامده است پس مقدمه نیست اما مع ذلک عقل حکم می‌کند باید این مقدمه را انجام بدهیم این بحث برای این است ، ایشان می‌گوید این حکم عقل صاحب فصول اسم واجب معلق را برد از آن راه حلش کرد ایشان می‌فرمایند نه یعنی به قول صاحب فصول وجوبش فعلی است واجبش استقبالی است ، ایشان می‌گوید نه وجوب هم همان استقبالی است وجوب محض ، وجوب الان نیست .**

**لکن عقل می‌گوید اگر این مقدمه را الان انجام ندهید دیگر تکلیف در وقت خودش فوت می‌شود آن واجب در وقت خودش فوت می‌شود در وقت وجوب فوت می‌شود ، عقل می‌گوید شما این را باید انجام بدهید ایشان از راه مقدمات مفوته وارد بحث شدند روشن شد**

**كل واجب لم يعتبر فيه القدرة شرعا ، كان مقتضى القاعدة لزوم تحصيل مقدماته التي لم تكن حاصلة وحرمة تفويت المقدمات الحاصلة ولو قبل مجيئ زمان الواجب ،**

**مراد اینجا از واجب مهمان دادن در روز جمعه است ؛**

**بل وقبل تمامية ملاك الوجوب ،**

**چون ایشان عرض کردم یک معیاری دارند که وجوب تا به اصطلاح شرطش محقق ، موضوعش محقق نشود وجوب فعلی نمی‌شود پس تا روز جمعه نیاید وجوب هم فعلی نه اینکه فقط واجب فعلی نیست وجوب هم فعلی نیست ؛**

**بل ملاک الوجوب أيضا ، إذ العقل يستقل بحفظ القدرة ولزوم تحصيل المقدمات الاعدادية ، لما عرفت : من أن اعتبار القدرة العقلية انما هو لمكان قبح تكليف العاجز ،**

**چون به خاطر تکلیف عاجز ؛**

**ومثل هذا الشخص لايكون عاجزا بل يكون قادرا ولو بحفظ قدرته ،**

**مثلا غذایی دارد می‌تواند در یخچال سالم سالم بماند این نگه دارد تا فردا که مهمان می‌آید ؛**

**أو تحصيلها بتهيئته المقدمات الاعدادية التي له إليها سبيل ،**

**روز پنجنشبه مثلا الی آخر کلمات که بعدا آقایان مراجعه کنند . عرض کنم که بحثی را که الان ایشان دارند می‌کنند ما شاید در نظر عرف خیلی واضح باشد شاید شما بگویید اسم بحث خارج و مطالب علمی خیلی امر واضحی است امر عرفی است که انسان وقتی می‌داند یک کاری را نمی‌تواند در زمانش انجام بدهد قبلش باید مقدماتش را آماده بکند یا اگر آماده هست تفویت نکند این مطلبی که ، این بحث کردن و این همه سه چهار روز ، چند روز شد ؟ واجب معلق و شرط نمی‌دانم شرط متأخر و اینها و این بحث‌ها را نمی‌خواهد این مقدمات مفوته نمی‌خواهد .**

**تازه من سابقا عرض کردم حالا یک توضیح بیشتری عرض می‌کنیم ، سابقا عرض کردیم اصلا این بحث‌ها را نمی‌خواهد اصلا سر این بحث چیست اصلا این بحث را چرا این جوری مطرح کردند این مطلب عرفی واضحی است مثال عرفی هم زدند برایش یک مطلب عرفی واضح را چطور شده این طور بحث از آن می‌کنند خوب چه جای بحث دارد ، اصلا جای بحث ندارد که .**

**عرض کنم نکته‌اش این است که گاهی اوقات یک مطلبی که عرفی واضح است در علم می‌رود لغت علمی پیدا می‌کند مشکل پیدا می‌کند ، مشکلش برای این است ، مشکلی که آقایان با آن مواجهه بودند این است که وجوب مقدمه وجوب ترشحی است فکرشان این جوری بود وجوب ترشحی هم متوقف بر این است که ذی المقدمة واجب باشد اگر ذی المقدمة وجوب نداشته باشد چرا ترشح می‌کند چطور می‌تواند مقدمه‌اش واجب باشد ؟**

**یعنی یک نکته‌ی روشن شد ؟ نکته‌ی ذهنی‌شان این حرف‌هایی که نائینی زد اگر دقت بکنید نکته‌ی ذهنی‌شان حرف صاحب فصول این می‌آید می‌گوید نه آقا وجوب فعلی است ، آن می‌گوید نه آقا وجوب استقبالی است آن وقت مقدمات مفوته را مطرح می‌کند این تمام تصورشان بر این است که تصوری که دارند در این بحثی که اینها آوردند روی دنبال وجوب هستند وجوب ذی المقدمة دقت کردید ؟**

**می‌گوید هنوز روز جمعه نشده است پس وجوب نیامده است اگر وجوب نیامده چطور مقدماتش الان واجب است از روز پنجشنبه الان مقدماتش واجب باشد نکته را دقت کردید ؟ نکته‌ی اساسی به نظر من که منشاء این بحث‌ها شده که ما چرا ، چون من همیشه عرض می‌کنم در بحث آن روح علمی نکته و روح واقعی‌اش را ببینید عرض کردم بیشترین مباحثی را که در این جور مباحث استظهاری به اصول قرار دادند حالا غیر از مسائل حجیت خبر و مثل ظواهر آیات و مثلا تخصیص کتاب به سنت و تخصیص کتاب به خبر و غیر از آن مباحث این مباحثی که استظهاری است این مباحث غالبا روی همان زمینه‌های عرفی متعارف خودشان انجام گرفته است و آن زمینه‌ی متعارف عرفی از مثلا همان بحث مولی و عبد و بعد اینکه مواخذه‌اش بکند ، عقابش بکند ، در اصول بحث عقاب را عرض کردیم باید جدایش بکنند بگذارند در کلام .**

**یعنی بحث اصولی را اینجا مثلا دیروز خواندیم دیگر امتناع الاختیار لا ینافی الاختیار عقابا لا خطابا ، این بحث را روی عقاب بردن بحث اصولی نیست**

**یکی از حضار : نه تنجزش الان مقدمات تنجز دارد یا نه ؟**

**آیت الله مددی : این لازم نیست بحث اصولی یعنی لازم نیست که تنجز مقدمه ، یعنی سر اینکه تنجز مقدمه را ما از کجا می‌خواهیم ببینیم دقت کنید سر را**

**یکی از حضار : خوب می‌خواهد ببیند تلازم دارد یا نه ؟**

**آیت الله مددی : خیلی خوب .**

**ببینید اگر نکته این باشد که ما باید یک وجوبی را تصور کنیم از این وجوب ترشح بکند به مقدمه اینطوری باید تصور کنیم ما عرض کردیم اصلا احتیاج به ، اصلا از این راه وارد مساله نشدیم ما ، اصلا نکته این نیست به نظر ما و لذا یک نکته‌ای عرض کردیم که اینکه مرحوم نائینی مقدمات مفوته را مخصوص می‌داند به مقدماتی که اگر در وقتش انجام ندهیم یعنی قبل از وقت وجوب انجام ندهیم دیگر نمی‌توانیم، همه‌ی مقدمات مفوته هستند هیچ فرقی نمی‌کند اصولا زمان در باب مقدمه تاثیر ندارد در حکم ، چرا چون ما نکته‌ی اصلی را در باب وجوب مقدمه از راه تلازم وارد شدیم .**

**عرض کردیم نکته‌ی فنی در باب وجوب مقدمه ، نکته‌ی قانونی یعنی نکته‌ای که بخواهیم روی حقوق و مسائل حقوقی روی آن بحث بکنیم این است که تکلیفی ، خطابی روی یک عنوان آمد این عنوان در خارج تلازم با یک عنوان دیگری دارد ، آیا تلازم خارجی که این دو تا را جمع می‌کند با هم کافی است برای اینکه این جعل به اعتبار و قانون به آن لازم هم بخورد یا نه ؟ آن بحث آن است ، یعنی زاویه روشن شد ؟**

**اصلا زاویه‌ی ورود بحث**

**یکی از حضار : یعنی برویم روی تلازم و ملازمه**

**آیت الله مددی : هیچ فرقی نمی‌کند زمان نگاه نمی‌کند .**

**صبح جمعه اگر غذا نخرد تا ظهر پیدا نمی‌کند باید صبح جمعه بخرد . از چهارشنبه ، پنجشنبه پیدا نمی‌شود ، پنجشنبه بخرد . بحث سر این نیست که یک وجوبی را ، دقت کردید ؟ بحث سر این نیست که یک وجوبی را فرض کنیم ترشح از آن بکند ، احتیاج به ترشح ندارد ؛ آن چه که در آنجا محل بحث است عبارت از این است که طرف به حساب نکته‌ی اساسی را ما تلازم دیدیم به جای این بحث**

**لذا عرض کردیم در بحث مقدمه زمان مطرح نیست ، اصلا بحث زمان نباید کرد ، بحثی که در باب وجوب مقدمه است تلازم است نکته‌ی بحث را ببریم روی تلازم وقتی نکته‌ی بحث را بردیم روی تلازم فرقی نمی‌کند می‌خواهد همان روز جمعه باشد می‌خواهد پنجشنبه باشد ، می‌خواهد چهارشنبه باشد ، چه فرقی می‌کند ؟**

**یعنی بین مهمانی دادن و آمادگی غذا تلازم هست در واقع ، اگر بخواهم ظهر پنجشنبه ناهار بدهم به کسی باید آمادگی غذایی داشته باشیم خوب غذا باید آماده باشد اگر این تلازم یک تلازم واقعی است نه یک تلازم اعتباری ، آنچه که اعتباری است این است که این تلازم اقتضاء بکند قانون و اعتبار از مورد نص خودش خارج بشود به لازمش بخورد بحث سر این است ، بحثی که هست سر این است .**

**آیا اینجا می‌خورد به آن یا نه ، یعنی بعبارة اخری این تلازم محفوظ است هنوز ، بله حتی اگر به سوء اختیار هم باشد ابو هاشم گفته خطاب موجود است مرادش همین است ظاهرا ، عرض کردم در این کتب اصولی چه ما چه اهل سنت یک مطلبی را که به ابو هاشم یا اشعری نسبت می‌دهند یکی می‌گوید مراد این است یکی می‌گوید نه من در این بحث‌ها وارد نمی‌شوم حالا مراد چون من عبارت ابو هاشم را ندیدم عین عبارت ، یعنی کسی که از او نقل می‌کند یا خودش الان در ذهنم نیست خودش کتاب در کلام دارد یا نه در اصول دارد یا نه ، ابو هاشم جبائی الان من در ذهنم نیست که آیا کتاب .**

**به هر حال چون ندیدیم خیلی بحث نمی‌کنیم که مراد ایشان این است مراد آن آقا این است این بحث‌ها را هم اصلا چیز نمی‌کنیم ، پس مشکلی که اینها آمدند مرحوم نائینی به اینجا افتاد آن آقا به آنجا افتاد مشکل چیز دیگری بوده مشکل سر ، امر عرفی است که عرف که عرف است ، عرف هم به خاطر مساله‌ی تلازم است دیگر نکته‌ی خاصی که ندارد که نکته‌ای که عرف می‌بیند به خاطر تلازم است ، نه به خاطر اینکه باید یک وجوبی باشد تا ترشح بکند وجوب از آن به مقدمه ، حتما**

**و لذا در مثل واجب معلق صاحب فصول می‌گوید وجوب فعلی است واجب استقبالی است چون وجوب فعلی است پس ترشح می‌کند ، احتیاج به این بحث نداریم یا مرحوم نائینی قدس الله نفسه :**

**لم تكن حاصلة وحرمة تفويت المقدمات ،**

**درست است این مطلب ایشان درست است یعنی ایشان به همان مطلبی ، یعنی من تعجب می‌کنم از ایشان چون واقعا ذهن فوق العاده‌ای دارد مرحوم نائینی همان مطلبی را که من دارم می‌گویم ایشان هم به همان رسیده است دقت می‌کنید ؟ چون که ایشان خیال کرده مثلا مقدمات را اسمش را بگذاریم مقدمات مفوته قبل از وجوب است مفوته و غیر مفوته ندارد ، مقدمات کلا مفوته هستند یعنی شما اگر مقدمه را انجام ندهید ذی المقدمة انجام نمی‌گیرد ، کلا اینطور است دیگر اصلا معنای مقدمه همین است ، معنای تلازم همین است اصلا اینکه بگوییم مقدمات مفوته ولو قبل وقت الوجوب هست آن ، نه اصلا بحث وقت و وجوب و این حرف‌ها مطرح نیست .**

**عرض کردم در برنامه ریزی این امروز امر خیلی واضحی است یک برنامه‌ای که برای یک کار می‌ریزند ممکن است یک کارهایی را قبل از اینکه آن انجام بگیرد به 5 سال ، 6 سال ، 4 سال قبلش انجام بدهند چون مثلا فرض کنید مثلا من باب مثال یک ساختمانی دارد که الان می‌داند طبق برنامه‌ای که ریخته درب‌هایش مثلا پنجره‌هایش آلومینیوم است ، آلومینیوم هم می‌داند که الان مثلا به قول امروزی‌ها تحریم شده کشور تحریم شده آلومینیوم وارد نمی‌شود نیست در وقت خودش 5 ماه قبل به او می‌گویند آلومینیوم بخر آماده باش ، هنوز که کار نبرده دیوار نرسیده لکن آماده می‌کنند چون می‌دانند نیست آمادگی ، این نکته‌ی تلازم به حال خودش محفوظ است یک امر واقعی است ، تابع این نیست که وجوب فعلا ما وجوب داشته باشیم تا بگوییم مقدمه‌اش واجب است .**

**اگر همین حرفی را که نائینی قدس الله نفسه اینجا زدند که:**

**حاصلة وحرمة تفويت المقدمات الحاصلة ولو قبل مجيئ زمان الواجب ، بل وقبل تمامية ملاك الوجوب أيضا ،**

**خوب بود نائینی یک قدم دیگر هم برمی‌داشتند می‌فرمودند نکته‌اش چون نکته‌ی ترشح نیست ، نکته‌ی آنجا تلازم است این تلازم را عرض کردم ما در برنامه‌ ریزی‌ها داریم این حکم عقلی که ایشان فرمودند این مطلب درست است ، مطلب ایشان درست است ، این مطلبی که ایشان فرمودند درست است .**

**لکن این به خاطر اینکه مثلا مقدمات مفوته است یا واجب معلق است یا شرط متاخر هیچ کدام از اینها نیست اصلا آن بحث‌ها مطرح نیست ، می‌گویم یک بحث عرفی واضح این می‌آید در اصول یک چهار تا اصطلاح اصولی ، یک چهار تا قول مخالف تقریبا نمی‌دانم اگر دقت کرده باشید مباحثی را که الان در خارج مطرح می‌شود بیش از 90 درصدش در نقض آراء دیگران است اگر خیلی خوش بین باشیم 10 درصدش اگر خودش را بخواهد بگوید و الا 90 درصدش رد کردن آراء دیگران است . بله آقا ؟**

**یکی از حضار : یعنی این هم از همان اول باید رد بکنند .**

**آیت الله مددی : بله می‌گویم دیگر ، خودش یک مشکل کار این است ، مخصوصا که غالبا هم اینها را رد می‌کنند ردهای ان قلت و قلتی است ریشه‌ای برخورد ، آقا ریشه‌ی این تفکر این است اینها خیال کردند یک وجوبی باید باشد تا ترشح بدهد نه آقا وجوب نمی‌خواهیم . نکته ، نکته‌ی تلازم است .**

**یکی از حضار : در تلازم واقعی فرقی بین واجب و مستحب نمی‌گذارد پس چرا در مقدمه‌ی مستحب و واجب اهمیتش**

**آیت الله مددی : خوب آن قدر مستحب است ، مستحب ، فرقی نمی‌کند .**

**همچنان که اگر گفتیم ساعت بگذارد برای نماز صبح بیدار شود ، ساعت بگذارد برای نماز شب بیدار شود چه فرقی می‌کند ؟ لکن آن یکی واجب است این یکی مستحب است ، آن وقت این وجوب ، وجوب نفسی نیست بعد خود نائینی این را شرح می‌دهد چون شرح نمی‌دهد من می‌گذارم با کلام خود نائینی ، دقت فرمودید ؟**

**بعد دیگر ایشان ، پس این مطلبی را که ایشان فرمودند در حقیقت همان ، خوب می‌دانید اینجاها که نرسیدم من از همان اول گفتم جواب درستش همین است که همه‌ی مقدمات مفوته هستند و اینکه**

**یکی از حضار : اسلام بین غسل جنابت و وضوء فرق حس می‌کنیم ، یعنی اینکه شما می‌فرمایید مثلا آن موقع مثلا آن آهنی است یعنی اگر آب هم باشد دیگر به درد شما هم نمی‌خورد قبل از وقت اگر قبل از وضوء شما غسل نکردید بعدش آب باشد نباشد به درد شما نمی‌خورد ولی وضوء اگر بعدش آب بود می‌تواند وضوء بگیرد واقعا فرقی حس می‌کنیم بین مقدمه‌ی مفوته و مقدمه‌ای که**

**آیت الله مددی : نفهمیدم بعد از وقت غسل نکنیم چرا یعنی چه ؟**

**یکی از حضار : یعنی مقدمه‌ی مفوته**

**آیت الله مددی : یعنی در صوم می‌خواهید بگویید ؟ در خصوص**

**یکی از حضار : در صوم**

**آیت الله مددی : صوم تعبد است خود شیخ مرحوم نائینی می‌گویند تعبد است ، این تعبد است اهل سنت هم این تعبد را قبول ندارند بعد از وقت غسل می‌کنند . اصلا این را عرض کردم در بخاری دارد از عایشه که من و رسول الله جنب بودیم بعد از مثلا اذان صبح فردا غسل می‌کردیم اهل سنت می‌گویند اشکال ندارد ، این مساله‌ی تعبد است آن تعبد است .**

**یکی از حضار : اینکه آقایان می‌فرمایند**

**آیت الله مددی : فعلا آقایان نمی‌فرمایند نائینی طرح آقای نائینی است طرح دیگری هم مثل صاحب فصول مثلا مثال صاحب فصول ، اصلا چرا دنبال وجوب هستید شما که وجوب فعلی شد اصلا چرا دنبال این مطلب هستید ؟ چه نکته‌ای دارد ؟**

**یکی از حضار : مرحوم نائینی وجوب قانونی هم قائل نیست ؟**

**آیت الله مددی : چرا وجوب قانونی‌اش هست ، لکن وجوب ، وجوب قانونی نه .**

**یکی از حضار : نه الان این ملازمه وجه شرعی هم درست می‌کند برای آن یا نه ؟**

**آیت الله مددی : وجه شرعی هم ملازمه چون استقلال عقل است ، ملتفت نشدید چه می‌خواهم بگویم تلازم هم چنان عقلی که هست خوب شرعی هم هست ، تلازم که جای اشکال نیست ، اشکال اینکه تلازم موجب این بشود که یک جعلی هم به لازم بخورد یک جعل مستقل ، بله ممکن است جعل به آن بخورد اما مستقل نیست برای حفظ آن واجب است .**

**یکی از حضار : ولی ممکن است .**

**آیت الله مددی : ممکن است جعل مستقل هم به آن بخورد .**

 **و لذا عرض کردیم یکی از معانی سنن اصولا در بحث سنن متعرض شدیم بعضی از جاها مخصوصا در محرمات سنن به معنای اینکه شارع حکم می‌کند این مقدمه بالخصوص این هم حرام است ، بعضی‌ها این را به تمام واجبات سرایت دادند محرمات بعضی‌ها هم نه ، حق این است که همان مقداری که**

**مثلا فرض کنید در همین مثال انگور که عرض کردم که کسی که درخت انگور می‌کارد برای اینکه بعد شراب درست بکند این هم عاصی است لعن رسول الله ، رسول الله این شخص را لعن کردند ، خوب این خیلی مقدمه‌ی بعیده هم هست ، سه سال ، چهار سال طول می‌کشد که این بخواهد انگور بدهد و بعد از انگور بخواهد شرابش بکند این را داریم چرا بعضی از ، اصلا بعضی از سنن رسول الله روی جهت مقدمه بودن است مثلا کل قرض یجر منفعة فهو ربا شاید احتمالش این باشد این را عرض کردیم در محرمات سنن پیغمبر دو جور است یا احتمالا جزو همان محرم است ما نمی‌دانیم شارع کشف عنها النقاب این احتمالش هست .**

**مثلا می‌گوید آقا قرض دادم به ایشان می‌گوید درست است قرض دادی اما شرط کردی باید سود بدهی خوب مثل رباست یعنی ما نمی‌دانیم یا اینکه نه اگر شما قرض دادید و سود گرفتید کم کم منجر به این می‌شود که رسما ربا بگیرید این مقدمه‌ی وقوع در رباست . این را من چند دفعه توضیح دادم که**

**یکی از حضار : سد ذرایع**

**آیت الله مددی : سد ذرایع یک قسم از قبیل است مثل مقدمه‌ی حرام است ، سد ذرایع ، سد ذرایع یک قسم است عرض کردیم اشکال ببینید در اینکه ما سنن داریم بحثی نداریم راه سنن را هم اجمالا توضیح دادیم بحثی که ما با اهل سنت داریم که مثل سد ذرایع را آنها مطرح می‌کنند ما توضیح دادیم که این مطلب که مثلا مقدمه‌اش حرام است این را باید شارع بگوید آنها می‌خواستند با سد الذرایع مطلق بگویند فقیه بگوید فرقش همین است ، این بحثش این است .**

**ما در هر مقدمه‌ای بیاییم بگوییم در هر واجبی در هر محرمی از باب سد ذرایع مقدماتش حرام است این را فقیه گفته است ، اگر شارع گفت درست است شارع نگفت ، دقت کردید ؟ در بحث سنن عرض کردم اصلا قیاس موردش سنن است ولذا هم دارد لو قیس الدین لمحق ، ان السنة اذا قیست ، سنت اذا قیست محق الدین .**

**و لذا خود اهل سنت هم آن جاهایی که شرعی است و تقدیری است درش قیاس قائل نیستند مثلا در اروش در دیات قائل به قیاس نیستند جایی که توقیفی است به اصطلاح خودشان قیاس نمی‌گویند چون باید شارع بیان بکند ، جاهایی که توقیفی نیست قائل به قیاس هستند دقت کردید اینها حساب ، کتاب .**

**آنها هم درست است حرف نا مربوط می‌زنند اما نا مربوطشان هم یک کمی مربوط است حالا زمان ما متاسفانه در حوزه‌های ما حرف نا مربوط نا مربوط می‌زنند که آنها هیچ کدام مربوط نیست . علی ای حال آنها هم سعی می‌کردند یک مقداری جمع و جورش بکنند مربوطش بکنند .**

**علی ای این مطلبی که ایشان بله ببینید مثلا این نیست :**

**حتى يقال : ان الكلام في لزوم تحصيل المقدمات قبل ثبوت التكليف ،**

**ببینید ذهنیت را ببینید قبل ثبوت ، یعنی همه‌اش رفت روی ذهنیت اینکه شما وجوب را اثبات بکنید تا بگوییم مقدمه‌اش واجب است ایشان می‌گوید چون قدرت ، ایشان از این راه وارد شده است چون قدرت عقلی است ، قدرت عقلی از این جهت فرقی نمی‌گذارد ؛**

**بل مورد القاعدة أعم من ذلك ، فتشمل ما نحن فيه ، فأنه لو فرض ان التكليف بصوم الغد لم يقيد بالقدرة الشرعية ، وانما اعتبر فيه القدرة العقلية حتى لايكون من التكليف العاجز ،**

**البته اینجا چاپ شده من التکلیف العاجز غلط است من تکلیف ، الف لام نمی‌خواهد اولش ؛**

**وكان صوم الغد يتوقف على مقدمات لا يمكن تهيئتها في الغد ، وكان متمكنا من تهيئتها قبل ذلك ، كان عدم تهيئة المقدمات موجبا لامتناع التكليف بالصوم بسوء اختياره ،**

**البته بعد راجع به مثال صوم اشکال ، لذا ایشان مساله‌ی لم تجدوا ماءا می‌گوید اگر آب داشت آب را قبل از وقت نریزد ، چون خطاب لم تجدوا ماءا به آن می‌آید من عرض کردم نکته حالا ایشان ، این نکته‌ی ایشان اجمالا که اگر قدرت خاصی دخیل نشد آن تلازم باید مراعات بشود این مطلب ایشان درست است ، این مطلب ایشان درست است .**

**اما اینکه حالا ما مقدمات را دو قسم بکنیم مفوته و غیر مفوته این درست نیست ، مقدمات همه مفوته است ، اصولا در بحث مقدمه چون بحث تلازم است زمان نگاه نمی‌شود زمان وجوب ، زمان واجب**

**یکی از حضار : بعضی‌ها می‌گویند این وضوء مثلا مقدمه‌ی مفوته نیست چون وضوء بعد از یعنی تا زمان خود واجب هم باز وضوء را می‌شود گرفت این شرط است ولی هیچ وقت فوت نمی‌شود مگر اینکه خود واجب فوت شد بعد دیگر وضوء هم نمی‌شود گرفت بین وضوء و غسل یک تفاوتی یعنی بین مقدمه‌ی مفوته و اعم از مقدمه تفاوتی قائل شدند .**

**آیت الله مددی : چه تفاوتی است من نفهمیدم .**

**یکی از حضار : چون وضوء هیچ وقت فوت نمی‌شود الا اینکه خود واجب زمانش بگذرد یا اینکه آن 30 ثانیه‌ی آخری بگوییم مقدمات مفوته**

**آیت الله مددی : خوب قبل از وقت آب دارد آب را که بریزد وضوء فوت می‌شود .**

**یکی از حضار : آب نیست ، یک مساله‌ی دیگر است حتی اگر آب باشد در وقت می‌تواند وضوء بگیرد ولی اگر آب باشد در وقت دیگر نمی‌تواند غسل کند بین این دو مثال فرق**

**آیت الله مددی : مثال غسل برای صوم را بفرمایید ، نه آن چون تعبد شرعی داریم ، تحلیل نمی‌شود که حکم است ، حکم را باید بعد از ثبوت حکم تحلیل کرد این حکم شارع است و الا ربطی به آن ، بله آب را نریزد برای وضوء و برای غسل یکی است چه فرقی می‌کند .**

**یکی از حضار : مقدمه‌ی مفوته را گفتند مقدمه‌ای که بعد از فوت وقت دیگر قابل ... نیست ، یعنی واجب که شد دیگر نمی‌شود ولی وضوء می‌شود واجب که شد وضوء را می‌تواند**

**آیت الله مددی : یعنی چه قبل از وقت قابل تدارک نیست .**

**یکی از حضار : بعد از اینکه وقت واجب رسید دیگر قابل تدارک نیست .**

**آیت الله مددی : چرا قابل تدارک نیست ، یعنی چه قابل تدارک نیست ؟**

**یکی از حضار : اینها اینجور گفتند**

**آیت الله مددی : خوب گفته باشند ، گفته باشند ، گفته باشند این یعنی چه معنا ندارد اصلا .**

**یکی از حضار : نائینی مقدمات مفوته را ظاهرا این جور معنا می‌کند .**

**آیت الله مددی : نه مقدمات مفوته را این جور معنا کنید که اگر این را انجام ندهیم ولو قبل از وقت وجوب است دیگر واجب فوت می‌شود نائینی این جور معنا می‌کند این حرف‌هایی که شما می‌فرمایید نمی‌فهمم .**

**علی ای حال این مطلبی که ایشان فرمودند که در لا به لای مطلب ، مطلب ایشان فی نفسه و عرض کردیم اصلا این نکته ، نکته‌ی اما اینکه قبل از وقت اراقه‌ی ماء عرض کردیم قویا به خاطر نکته‌ی فقهی است این برایش صدق می‌کند لم تجدوا ماءا یعنی اگر کسی آب الان داشت و آب را ریخت بعد از وقت دیگر آب نداشت این صدق نمی‌کند لم تجدوا ماءا چون وجد الماء بله اگر قبل از وقت آب نداشت بگوییم آقا برو مقدمات را آماده بکن برو آب تهیه بکن تا در وقت وضوء بگیری ، این دلیل برایش نداریم چون لم تجدوا برایش صدق می‌کند این لم تجدوا ماءا دیگر این نکته‌ی مقدمات مفوته ، این نکته‌ی استظهار از لسان دلیل است ربطی به مقدمات مفوته ندارد .**

**لذا عرض کردم یک بحثی را دقت بکنید ما متاسفانه من بگویم ولو خارج از وقت است یک بحث‌هایی الان در اصول آمده در صورتی که اینها بحث اصولی نیستند اصلا مثل همین بحثی که عود ضمیر به یک عامی ، به بعضی از ، آیا تخصیص است یا قاعده‌ی استخدام است دیدم بعضی از معاصرین ما مثلا ده صفحه شاید در این باره نوشتند اصلا این بحث اصولی نیست . چون این بحث عرفی نیست که بگوییم دیشب علماء به خانه‌ی من آمدند به آنها گفتند یعنی به علمای نحوی گفتند به بعضی از علما ، خوب عرفی نیست که خوب اول عام بیاورد بعد ضمیر را بعضی کند خوب این عرفی نیست که ، این اگر در قرآن استعمال شده باشد و بعولتهن احق ، این موردی است این مورد باید حل بشود ، عرفی نیست این بحث .**

**بحث وقتی موردی شد این قاعدتا فقهی است اصولی نیست اصلا ، در اصول نباید بحث بشود که دیدم حالا آقایان غالبا کم نوشتند دیدم یک آقایی به عنوان اینکه تحقیق می‌کند والتحقیق ان یقال فلان خوب این اصلا دور از آبادی است ، یعنی نمی‌دانم حالا من ایشان چه در ذهن مبارکشان است اصلا این بحث کلا حالا غیر از اینکه والمطلقات خودش عام نیست که آقایان تصور کردند آن بحث تفسیری و فقهی آیه جای خودش اصلا این بحث عرفی نیست که آدم یک عامی بیاورد بعد ضمیر به بعضی‌هایش برگردد قطعا عرفی نیست .**

**مثلا بگوید آقا احترام مساجد الهی را حفظ کنید حتی جنبا از آنها عبور نکنید بعد بگوید مراد من از مساجد جنبا خصوص مسجد الحرام و مسجد النبی است خوب اینها عرفی نیست که جنبا از آنها یعنی مطلق مساجد اینکه یک بحث عام بیاورد بعد یک ضمیری ، این استخدام اصلا عرفی نیست این ، استخدام یک نوع به اصطلاح مثل معما مانند است یکی از نکات مهم در باب قوانین اینکه قانون باید روشن باشد معما و لغز و نمی‌دانم شوخی و تعریض و کنایه و اینها به درد نمی‌خورد نه ، دقت کردید ؟**

**یکی از حضار : استاد ... دیگری هم برای این ادعا چون آیه‌ی قرآن ... دارند یا نه ؟**

**آیت الله مددی : نه خیر ندارند .**

**و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین**